

پرفاشگری و درمان آن

باید به این واقعیت اعتراف کرد که پرفاشگری بخش مشترکی از زندگی اجتماعی است، زیرا کم تر کسی را می توان یافت که با بیان های تند و انتقادهای شدید به دیگران آزار نرسانده باشد یا در هنگام فش، رفتار فشن انجام نداده باشد. هم چنین ممکن است فردی برای تلافی از دشمن منتظر فرصت مناسبی باشد تا کینه خود را خالی کند.

بسیاری از پژوهش های انجام شده بیانگر آن است که نوجوانان و جوانانی که پرفاشگر

هستند در دوره کودکی از طرف والدین خود مورد پرفاشگری زیادی قرار گرفته اند

تعریف و بیان موضوع به طور کلی، روان شناسان در مورد تعریف پرفاشگری با هم

توافق ندارند. موضوع اصلی آن ها این است که آیا پرفاشگری را باید بر اساس پی

آمدهای قابل مشاهده تعریف کرد، یا بر اساس اهداف کسی که پرفاشگری را از خود

بروز می دهد(اکبری، ۱۳۸۵: ۱۸۹).

روان شناسان اجتماعی نیز اگر چه پرفاشگری را به صورت «آسیب رسانی عمدی» تعریف

می کنند، اما آن ها می دانند تعیین این که آیا عملی که باعث آسیب وارد شدن به

دیگری شده است از روی قصد و عمل بوده یا نه، کاری بسیار دشوار است(بارون و

همکاران، ۱۳۸۸: ۶۱۹).

به هر حال، در لغت نامه فارسی، پرفاشگری به معنای «ستیزه جویی» آمده است.

اتکینسون معتقد است که: «پرفاشگری رفتاری است که قصد آن، صدمه زدن جسمانی

و زبانی به فرد دیگر و نابود کردن دارایی اوست.»

باندورا نیز پرفاشگری را رفتاری می دانست که از نظر اجتماعی مخرب و صدمه زننده

است و ارونسون در این فصو می گوید: پرفاشگری از ویژگی های فطری و غریزی است و

انسان، میوانی پرفاشگر و ستیزه جو می باشد» (شکاری، ۱۳۸۳: ۹۰). اما بهترین و

جامع ترین تعریفی که از پرفاشگری ارائه شده، تعریف براون (BROWN) است. از نظر

او «هر عمل و رفتاری که به طور مستقیم در جهت هدفی و به منظور آزار و اذیت

رساندن به دیگران که مایل نیستند مورد آزار و اذیت قرار گیرند اعمال شود» پرفاشگری

نامیده می شود (صادقی و مشکبید مقیقی، ۱۳۸۵: ۳۱).

پرفاشگری به منزله مفهومی کلی تر از تهاجم (INCURSION) به ندرت موضوع بررسی

های جامع در روان شناسی یا در بخشی از آن یعنی روان تملیل گری واقع شده و به طور

کلی به نمو پیشمگیری جای آن در فهرست مجموعه های مربوط به تمول کودک خالی

است.

کمیابی بررسی های مربوط به این موضوع، چند دلیل دارد. عمده ترین دلیل آن بی تردید

مربوط به این امر است که تمول پرفاشگری یا کینه، مانند تمول لیبیدو یا عشق نیست

و برخلاف آن چه بر مبنای الفاظ به ذهن متبادر می شود، در این زوج های متضاد،

مفاهیم قرینه یکدیگر نیستند. چرا که در واقع آن چه در جریان تمول تغییر می کند و

متمول می شود، پرفاشگری به خودی خود نیست؛ بلکه مهار کردن و ظرفیت هدایت آن

به راه های اجتماعی قابل قبول است. به عبارت دیگر، چیزی که تغییر شکل می دهد،

«من» است.

دلیل دیگر نیز مربوط به تردیدهایی است که در سطح نظری بین روان تملیلگران، روان

شناسان و رفتار گرایان وجود دارد (دادستان، ۱۳۸۶: ۶۸). در مجموع می توان گفت

پرفاشگری یک نوع مکانیسم روانی است که در آن، فرد به طور نافودآگاه فشارهای

ناشی از محرومیت ها و ناکامی های خود را به صورت واکنش هایی چون: حمله، تجاوز،

رفتار کینه توزانه و پرفاشگرانه نشان می دهد و تنها در صورتی که این رفتارها تمت

کنترل قرار گیرند، حرکت رشد، طبیعی و مطلوب خواهد شد(اکبری، ۱۳۸۵: ۱۹۱-۱۸۹).

البته باید به این واقعیت اعتراف کرد که پرفاشگری بفش مشترکی از زندگی اجتماعی

است، زیرا کم تر کسی را می توان یافت که با بیان های تند و انتقادهای شدید به

دیگران آزار نرسانده باشد یا در هنگام فشم، رفتار فشن انجام نداده باشد. هم چنین

ممکن است فردی برای تلافی از دشمن منتظر فرصت مناسبی باشد تا کینه خود را فالی

کند.

تبیین های مربوط به پرفاشگری

دانشمندان در خصوص پرفاشگری نظرات مختلفی را ارایه کرده اند. به عنوان مثال گفته

اند:

الف- پرفاشگری یک رفتار غریزی است

کهن ترین و شاید شناخته شده ترین تبیین در مورد پرفاشگری انسان، نظریه غریزه است

که بیان می کند انسان به گونه ای نامشخص برای رفتار پرفاشگرانه برنامه ریزی می

کند.

مشهورترین صاحب نظران این دیدگاه زیگموند فروید است. به باور فروید، پرفاشگری

عمدتاً ناشی از سرکوب غرایز است که به سوی خود و آزار به خود متوجه شده و سپس

به آزار دیگران می پردازد(اممدی، ۱۳۸۲: ۱۳۵ و ۱۳۶). او معتقد بود که ریشه های

پرفاشگری را باید در آرزوی مرگ یا غریزه مرگ جست و جو کرد که بر همه اشخاص

حاکم است (صادق و مشکبید مقیقی، ۱۳۸۵: ۲۹).

کنراد لورنز (KONRALD LORENZ-۱۹۴۶) نیز معتقد است که پرفاشگری اساساً از

یک غریزه جنگیدن ذاتی ناشی می شود که تضمین می کند تا قوی ترین نرها جفت

گیری کرده و ژن های خود را به نسل بعدی منتقل کنند (بارون و همکاران، ۱۳۸۸: ۶۲۱).

برخی از روان کاوان نیز عقیده دارند پرفاشگری غریزی است و به عنوان تلاشی برای

رسیدن به تخلیه هیجانی و (هایی از تمایل های پرفاشگرایانه متراکم شده به وجود می

آید.

ب- پرفاشگری یک رفتار اجتماعی است که یاد گرفته می شود

نظریه یادگیری اجتماعی بر اهمیت یادگیری رفتار پرفاشگرانه از الگوها تأکید دارد. از این

نظریه بیشترین حمایت پژوهشی به عمل آمده است (ویتینگ، ۱۳۸۶: ۱۸۹). هواداران

این دیدگاه بر این واقعیت تأکید دارند که پرفاشگری پدیده ای فطرناک و بی ثبات

است که می بایست به عنوان یک رفتار اجتماعی یاد گرفته شود.

در مقابل نظریه غریزی بودن پرفاشگری، این نظریه معتقد است که انسان ها با

مجموعه ای از انگیزه های پرفاشگری و پاسخ های فشن پا به عرصه میات نمی گذارند،

بلکه هم چنان که اشکال پیچیده دیگر رفتار را یاد می گیرند، رفتار پرفاشگرانه را نیز باید

یاد بگیرند (اممدی، ۱۳۸۲: ۱۳۶ و ۱۳۷). چنان چه دیده می شود مردم فرهنگ های

مختلف به شیوه های خاص خود مثل: کونگ فو، تفنگ دولول و یا سرنیزه به دیگران

ممله می کنند. (صادقی و مشکبید مقیقی، ۱۳۸۵: ۳۱).

پ- پرفاشگری یک سائق خارجی است

برخی از روان شناسان اجتماعی اعتقاد دارند که پرفاشگری از یک سائق خارجی برای آسیب رساندن به دیگران ناشی می شود. طبق این دیدگاه، شرایط خارجی متفاوت، انگیزه های نیرومند برای انجام رفتار فشنونت آمیز ایجاد می کند و سائق پرفاشگری به تهدید علنی علیه دیگران می انجامد. این نظریه فرضیات ناکامی پرفاشگری را مورد بررسی قرار داده و اذعان می دارد که ناکامی سائق پرفاشگری را تمریک می کند و این سائق به هدف های گوناگون و به ویژه به منابع ناکامی حمله کرده و آسیب می رساند (اممدی، ۱۳۸۲: ۱۳۶ و ۱۳۷).

نظریه ناکامی پرفاشگری بیانگر این مسئله است که به دنبال ناکامی، پرفاشگری بروز خواهد کرد. البته باید به خاطر داشت که پرفاشگری می تواند حالت پرفاشگری پنهان یا

آشکار داشته باشد. یعنی ممکن است هدف پرفاشگری، خود فرد یا دیگری باشد.

افزایش افسردگی، یأس و دلزدگی جوانان، انحراف های اجتماعی، فرار از خانه، اعتیاد،

الکلیسم، خودکشی و مانند این ها جلوه هایی از پرفاشگری پنهان هستند که متأسفانه

در جامعه ایران نیز رو به فزونی است (منطقی، ۱۳۸۳: ۱۶۵). از آن جایی که موقعیت

های بیرونی بیش تر از گرایش های ذاتی در شیوع پرفاشگری نقش دارند، بنابراین در

فصوص احتمال پیشگیری از این رفتار شاید بتوان گفت که نظریه سائق فوش بینانه تر

از نظریه غریزه است (صادقی، و مشکبید حقیقی، ۱۳۸۵: ۳۰).

اشکال پرفاشگری

پرفاشگر بودن، به معنای حمایت از خود به شیوه ای است که در آن به حقوق دیگران

تجاوز می شود. رفتار پرفاشگرانه به صورت معمول تنبیه گرایانه، سرزنش آمیز، تمکیم

جویانه و خصمانه است و می تواند تهدید، توهین و حتی تنبیه بدنی را شامل شود. حتی

لبفند تمسخر آمیز، عبارت طعنه و غیرت نیز نوعی پرفاشگری است(اسفندیار، ۱۳۸۸:

۷۸).

رفتارهای پرفاشگرانه ممکن است به شکل های مختلف دیگری نیز از قبیل: برانگیختگی

بیش از حد، نگاه های تند و فشن، به هم فشردن دندان ها، ایجاد مزاحمت کردن و

حالت دفاعی به خود گرفتن، دیگران را سرزنش کردن، نظم کلاس و مدرسه را به هم

ریختن، دروغ گویی، دزدی عدم رضایت از رابطه خود با اطرافیان، از مدرسه و معلم خاطره

خوش نداشتن، فرار از مدرسه و منزل(صادقی و مشکبید مقیقی ۱۳۸۵: ۹).

آزار و اذیت دیگران، شکستن یا پاره کردن وسایل منزل، دشنام دادن به دیگران،

مخالفت کردن، پرت کردن اشیاء، تمقیر دیگران، بی ادبی، پای کوبی روی زمین،

غرغرکردن، فریاد زدن، انزوا و سکوت، در خود فرو رفتن همراه با بغض کردن، غذا نفوردن

و گریه کردن جلوه گر شوند. هم چنین بعضی از نوجوانان و جوانان با بلند کردن موهای

فود، کتک زدن فود، کوبیدن سر به دیوار و یا به جای زنگ زدن برای ورود به منزل

با استفاده از مشت و لگد، پرفاشگری فود را ابراز می کنند. علاوه بر این ها، پرفاشگری

ممکن است بدنی باشد. مانند: لگد زدن و گاز گرفتن.

یا این که لفظی باشد. مانند: فریاد زدن و رنجاندن. از طرفی، پرفاشگری ممکن است به

صورت تجاوز به حقوق دیگران نیز ظاهر شود. مانند: پیزی را به زور از دیگری گرفتن. به

هر حال، رفتار پرفاشگرانه بروز عکس العمل های منفی را به دنبال دارد که احساسات

نوجوان را تشدید می کند(اکبری ۱۳۸۵: ۱۸۹).

اکثر روان شناسان و متخصصان تعلیم و تربیت پرفاشگری ها را بر اساس نسبت، قصد

و انگیزه پرفاشگری تقسیم بندی می کنند؛ به طوری که آن ها بین پرفاشگری خصمانه

که تنها هدفش آسیب رسانی است با نوعی از پرفاشگری که هدفش کسب پاداش،

پول و مقام است تفاوت قائل هستند(شکاری، ۱۳۸۳: ۹۱).

از طرفی دیگر، پرفاشگری ممکن است به صورت فردی یا گروهی باشد. در پرفاشگری

فردی نوجوان یا جوان نسبت به هم سن و سال های خود پرفاشگری نشان می دهد؛ اما

این پرفاشگری به صورت فردی و معمولاً به دور از پنهان کاری است. در پرفاشگری

جمعی، فرد سعی می کند با کسانی که هم جنس و هم فکر او هستند، به صورت متمد

و گروهی اقدام به پرفاشگری کند و در صورت بروز دعوا و کتک کاری، به صورت جمعی و

گروهی عمل می کنند(اکبری، ۱۳۸۵: ۱۹۶).

نوع دیگری از پرفاشگری، پرفاشگری رابطه ای است که موجب مذف اجتماعی و آزار

سایرین می شود. پرفاشگری رابطه ای دارای همان الگوی رفتاری پرفاشگری جسمانی

است که به آسیب و آزار دیگران از راه روابط می انجامد. این نوع پرفاشگری به روابط

دوستانه آسیب می رساند و کنار گذاشته شدن فرد از گروه هم سالان را در پی دارد.

کودک پرفاشگر با پخش شایعات و بدگویی یا وادار کردن سایرین به قطع رابطه

دوستانه، موجب حذف یک فرد از گروه می شود که قربانی این نوع رفتار دچار مشکلات

سازگاری روانی اجتماعی فواید شد(شهیم، ۱۳۸۶: ۲۶۵).

عوامل مؤثر در بروز پرفاشگری

نانجل، اردلی (کاپنتر و نیومن-NANGLE ,ERDLEY,CARPENTER&NEWMAN)

(۲۰۰۲-PELLEGRINI & LONG)و بونیکا، یشوا، آرنولد،

فیشر و زلجو (۲۰۰۳-BONICA ,YESHOVA,ARNOLD,FISHER&ZELJO)

مسئله پرفاشگری را یکی از مهم ترین مسائل دوره نوجوانی (عاشوری و همکاران،

۱۳۸۷: ۳۹۰) معرفی کرده اند که ناشی از عوامل مختلفی است. از جمله:

*ناکامی

مهم ترین عامل در ایجاد پرفاشگری از میان همه موقعیت ها، صرف نظر از عوامل

فیزیولوژیکی ناکامی است. اگر فردی در رسیدن به اهداف خود با شکست مواجه شود،

ناکامی حاصل شده احتمال پاسخ پرفاشگرانه را در او افزایش می دهد(زرگری مرندی،

۱۳۸۵: ۶۸).

*محیط زندگی

به این نکته مهم باید توجه داشت که همه انواع فشونت ها اساساً نتیجه عملکرد مغز

و عموماً ناشی از وضعیت ممیط زندگی فرد است. به بیان دیگر، ریشه فشنونت را می توان در تداوم تاریخی مبارزه و مقابله انسان با فطرها و تهدیدهای ممیط زندگی فرد دانست که بر تفکر و رفتار او و چگونگی برنورد وی با تهدیدها و فطرها اثر می گذارد. برای مثال، مردانی که برای دفاع از خود به فشنونت ترغیب می شود تمایل بیشتری برای پرفاشگری دارند و در مقابل تهدیدهای جزئی، پاسخ فشنونت آمیز می دهند(لطف آبادی، ۱۳۸۵: ۱۷۵ و ۱۷۶).

مسائل فرهنگی مربوط به نقش جنسی تمقیقات افیر نشان داده اند که مسائل فرهنگی مربوط به نقش جنسی، رشد رفتار پرفاشگرانه در پسرها را تقویت می کند. بر اساس الگوهای فشار نقش جنسی، انتظارات ضد و نقیض از نقش جنسی بسیاری از مردان را در وضعیت غیر ممکن قرار می دهد. پسران و مردان از این که از عهده نقش

جنسی خود بر نمی آیند، اغلب احساس شره می کنند. گاهی این احساس شره به رفتارهای دیگری مانند پرفاشگری منتقل می شود که قدرت بخش تر هستند. این گرایش، با الکسی تیمیا یعنی عدم توانایی در تعریف احساسات که در میان مردم مرسوم است، تقویت می شود (میکوچی، ۱۳۸۳: ۲۰۱).

*تنبیه های والدین و مربیان

بسیاری از پژوهش های انجام شده بیانگر آن است که نوجوانان و جوانانی که پرفاشگر هستند در دوره کودکی از طرف والدین خود مورد پرفاشگری زیادی قرار گرفته اند و این عمل را به نوعی رفتار مناسب در ذهن خود مک کرده اند و رفتار پرفاشگرانه در آن ها رشد و تجلی یافته است و این مطلب برای آن ها چنان تداعی می شود که «آن چه را که من انجام می دهم، انجام بده، نه آن چه را می گویم، زیرا رفتار عملی بیش تر از بیان

تئوری مطالب اثر می گذارد». به همین دلیل تنبیه عامل فزاینده و تقویت کننده

پرفاشگری است، زیرا علاوه بر این که سبب خشم و احتمالاً پرفاشگری کودک می شود،

شخص تنبیه کننده نیز الگوی نامناسبی برای پرفاشگری کودک فواید شد.

***تأیید رفتار پرفاشگرانه**

عده ای از افراد، پرفاشگری و زورگویی را تقبیح نمی کنند، بلکه آن را نشانه شهامت و

قدرت در فرد می دانند. این افراد، اعمال پرفاشگرانه خود و دیگران را مثبت، موجه و

متی لازم می دانند و به آن صمه می گذارند.

***تشویق رفتار پرفاشگرانه**

گاهی اوقات برقی از والدین و مربیان به بهانه دفاع از خود به کودکان می گویند: «از

کسی کتک نخوری»، «توسری فور نباشی» و مواردی از این قبیل که به طور وضوح به جای

نشان دادن رفتارهای منطقی در مقابل برفورد با موانع، شخص را به پرفاشگری بی مورد

تشویق می کنند(اکبری، ۱۳۸۵: ۱۹۳-۲۰۰).

*عوامل فرهنگی

پرفاشگری اغلب به وسیله اعمال یا گفته های دیگران برانگیخته می شود، اما می تواند

به وسیله عوامل فرهنگی مثل: باورها، هنجارها و انتظاراتی یک فرهنگ خاص که مایه

از آن است که پرفاشگری مناسب یا شاید حتی تمت شرایطی الزامی است نیز

برانگیخته شود (بارون و همکاران، ۱۳۸۸: ۶۵۲-۶۲۸).

*تماشای فنشونت

مطالعات مختلف حاکی از نقش بسیار زیاد تماشای برنامه های فشنونت آمیز بر رفتار

پرفاشگرانه است. به طور مثال، پژوهشی که به وسیله لینز و همکاران (LEYENS ET

۱۹۵۷-AL انجام شد، دو گروه از دانش آموزان در معرض مجموعه ای از فیلم های

گوناگون قرار گرفتند. گروهی از آن ها هر روز پنج فیلم فشن و گروه دیگر پنج فیلم غیر

فشن مشاهده کردند. پس از مشاهده فیلم ها، رفتار دو گروه در فعالیت های روزمره

مورد بررسی قرار گرفت .

گروهی که در معرض تماشای فیلم های فشن قرار گرفته بودند به شیوه های گوناگون

رفتار پرفاشگرانه از خود نشان دادند. در پژوهش دیگری که توسط فیلیپس-PHILIPS)

(۱۹۸۳ انجام شد، وی به این نتیجه رسید که میزان کشتارها در آمریکا در روزهای بعد

از مسابقات بوکس سنگین وزن به گونه معناداری افزایش یافته است(اممدی، ۱۳۸۲:

۱۳۹-۱۴۰).

وود، وانگ و کاپر (WOOD ,WONG & CHACHERE-۱۹۹۱) نیز نشان دادند که در

مورد پسرها، تماشای فشنونت می تواند پرفاشگری در روابط شفصی را به ویژه در

کودکان افزایش دهد، که البته ۲۸ بررسی مشابه نیز این نتیجه گیری را تأیید کرده است

(اتکینسون، اتکینسون و همکاران، ۱۳۸۵: ۱۴۱۸).

در ایران نیز پژوهشی با عنوان «تأثیر بازی های ویدیویی بر پرفاشگری دانش آموزان پسر

سال پنجم مقطع ابتدایی شهرستان فرم آباد» ثابت کرد گروه های مورد آزمایش که

پرفاشگرانه بازی کرده بودند نسبت به گروه گواه، افزایش معناداری در پرفاشگری نشان

داده اند(اکبری، ۱۳۸۵: ۲۰۰).

***تضاد در دستورات والدین**

وقتی والدین، فرزند خود را به انجام کاری فرمان می دهند ولی بلافاصله او را از انجام آن کار باز می دارند و یا برعکس، کاری را که برای او تمریم کرده اند دوبار تجویز و باز تمریم می کنند، این بی دقتی کودک را مردد و نگران می کند و ممکن است موجب پرفاشگری کودک شود.

***ناهماهنگی در روش تربیتی**

اگر قوانین خانه هماهنگ و ثابت نباشد، کودک متوجه می شود که گاهی اوقات می تواند قوانین را زیر پا گذاشته، نافرمانی کرده و در برابر تخییرات مقاومت کند. به همین خاطر زمانی که تصمیم بگیرد می تواند تشویق ها و تنبیه ها را که مشخص شده

نادیده گرفته و پرفاشگری کند .

گسستگی کانون خانواده، فشار روانی و استرس (نساچی زواره، ۱۳۸۵: ۵۰ و ۵۱).

مقابله با تهدیدهای جسمی و روانی، نیاز شخصی نوجوان و جوان برای کسب

قدرت (لطف آبادی، ۱۳۸۵: ۱۷۵ و ۱۷۶).

هیجان طلبی بالا (شمس اسفند آباد، ۱۳۸۴: ۲۸).

دوگانگی و تضادهای درونی (نجفی پور، ۱۳۸۸: ۵۸).

یادگیری اجتماعی و مشاهده وقایع و اتفاقاتی مانند: درگیری های اجتماعی، محدودیت

های اجتماعی، تبعیض ها و بی عدالتی ها، زندگی در ارتفاعات فیلی بلند، تغذیه ناقص،

جنگ (اکبری، ۱۳۸۵: ۱۹۳-۲۰۰).

در دسترس بودن ابزارهای پرفاشگری مانند اسلحه در محیط زندگی شخص، شلوغی و

سروصدا، برانگیختگی جنسی تمت شرایطی خاص، مشکلات و محرومیت های اقتصادی،

صدمات و آسیب های مغزی(صادقی و مشکبید مقیقی، ۱۳۸۵: ۴۶-۵۵)،

بروز مکرر اضطراب و فشارهای روانی (میدریان، ۱۳۸۳: ۷۲)،

مذف رقیب، تشدید ناراحتی ها و تکرار آن (امدی، ۱۳۸۲: ۱۳۸)، تربیت نادرست،

کمبود عاطفه و محبت، (برکویتز، ۱۳۸۸: ۱۴۱)،

انتقاد تند و غیر موجه، برتری نمایی و اظهارات اهانت آمیز به فصوص نسبت به

خانواده، بالا بودن دمای هوا و مصرف الکل از دیگر عوامل مؤثر در بروز پرفاشگری به

شمار می روند (بارون و همکاران، ۱۳۸۸: ۶۵۲-۶۲۸).

آثار و پی آمدها

آن چه که باعث توجه پژوهش گران به پرفاشگری شده است، پی آمدهای این گونه

رفتارها مانند: ایجاد تصویر منفی در میان هم سالان و معلمان، طرد از سوی هم سالان،

افت تمصیلی، مصرف مواد مخدر و به طور کلی بزهکاری در نوجوانان می باشد. نوجوانان

پرفاشگر معمولاً توان مهار رفتار خود را ندارند و معیارها و ارزش های جامعه ای را که

در آن زندگی می کنند به راحتی زیر پا می گذارند. در بیشتر موارد والدین و اولیای

مدارس با آن ها درگیری پیدا می کنند و گاهی نیز از مدرسه اخراج می شوند (عاشوری و

همکاران، ۱۳۸۷: ۳۹۰).

هم چنین پرفاشگری ممکن است موجب ایجاد فطر برای شخص پرفاشگر و دیگران شود

و او را به آثار و عوارضی چون، وجود حالت نگران کننده، تنفس سریع و نبض تند، کند که

بسیار خطرناک است، اختلال در دستگاه گوارشی، فشار و جلدان پس از عمل فستونت بار،

فرسودگی بیش از حد بدن، کتک خوردن، سرزنش شدن، مورد تمقیر و استهزاء قرار گرفتن

وگاهی نقص عضو دچار سازد(صادقی و مشکبید مقیعی، ۱۳۸۵: ۲۰).

نگاهی به برنی آمارها و تمقیقات انجام شده

*آمنباغ و ادلبروک (ACHENBACH & EDELBROCK- ۱۹۷۷) ابعاد متفاوتی از

افتلال های رفتاری را برای کودکان ارایه داده اند. آن ها به دو بعد کلی با عنوان برونی

سازی (EXTERNALIZATION) و درونی سازی (INTERNALIZATION) دست

یافتند. از نظر آنها، کودکانی که دارای ویژگی های برونی سازی هستند، رفتارهای تهاجمی

و پرفاشگرانه دارند، اما کودکانی که تمت عنوان درونی سازی طبقه بندی می شوند،

دارای رفتاری ناپخته هستند و اغلب گوشه گیر می باشند(شهیم و همکاران، ۱۳۸۶:

۳۵۱).

*گرین (GREEN-۱۹۹۹) از مشاهدات تحقیقی خود نتیجه گرفت که پسران بیش تر از

دختران دعوا به راه می اندازند، انتقام می گیرند و در دعوا از نیروی بدنی بیش تر

استفاده می کنند؛ اما دخترها بیش تر جدال لفظی می کنند. شارپ (SHARP- ۲۰۰۰)

نیز متوجه شد که پسرها به ویژه هنگامی که همراه دخترها هستند پرفاشگری بیش تری

از خود نشان می دهند و دخترها هنگامی که با پسرها هستند از زمانی که همراه

دخترهای دیگر هستند پرفاشگری بیشتر می باشند(صادقی و مشکبید محیقی، ۱۳۸۵: ۱۴۴).

*یافته های یک بررسی در ایران (۱۳۸۵) حاکی از آن است که در پرفاشگری اجتماعی،

پسران میانگین بالاتری را نسبت به دختران از خود نشان می دهند، که البته این یافته،

با نتیجه مطالعات گالن و آندروود (GALEN & UNDERWOOD) نیز هم سو می

باشد(شهیم و همکاران، ۱۳۸۶: ۳۵۷).

*یک مطالعه (۱۳۸۵) نشان داد که دختران و پسران ایرانی از نظر پرفاشگری رابطه ای

تفاوت معناداری با یکدیگر ندارند و کودکانی که پرفاشگری رابطه ای به کار می برند نزد

هم سالان محبوبیت بیشتری دارند. نتایج این مطالعات با یافته های تحقیقات زی و

همکاران (XIE ET AL-۲۰۰۳) و رز و همکاران (ROZE ET AL -۲۰۰۴) هم سو می

باشند(شهیم، ۱۳۸۶: ۲۶۹).

مهم ترین اقدامات و راه کارهای پیشگیرانه و درمانی

کودکان فشنونت گرا سعی می کنند از طریق فشنونت فیزیکی یا لفظی بر کودکان دیگر

مسلط شوند. آن ها معمولاً قربانیان خود را از میان افراد منزوی و بی نشان و آسیب

پذیر انتخاب می کنند. این گروه از کودکان با استفاده از فشنونت احساس می کنند که

فرد مهمی هستند(محمودی، ۱۳۸۸: ۱۳). اما با توجه به عواقب ناگوار پرفاشگری، باید

از بروز آن جلوگیری کرد. البته باید توجه داشت که برای کنترل پرفاشگری نباید دست به

تنبیه کودک پرفاشگر زد. بلکه هدایت مناسب تنبیه در شرایطی معین از سوی والدین،

مربیان و پلیس می تواند منجر به اصلاح رفتار پرفاشگرانه شود و در این صورت است که

تنبیه به شکل کنترل شده اعمال شود. اما به نظر می رسد بهترین روش برای کنترل

پرفاشگری آن باشد که کودکان بیاموزند چگونه فشم خود را کنترل کنند و با توجه به

رفتارهای اجتماعی دیگران به هدایت مطلوب کنش های فویش و اداره فرصت های

وقوع پرفاشگری بپردازند (برکویتز، ۱۳۸۸: ۱۴۲).

در همین راستا و به منظور جلوگیری و کاهش پرفاشگری کودکان، نوجوانان و جوانان،

والدین می توانند اقدام های مناسبی را انجام دهند. میگنا از اطلاع از ویژگی های هر

مرمله از رشد، تقویت رفتارهای اجتماعی فرزندان مانند: همکاری کردن، مشارکت کردن،

ابراز هم دردی و هم دلی، گوشزد کردن عواقب احتمالی رفتار پرفاشگرانه، تنبیه ملایم

فرد پرفاشگر، تنبیه الگوهای پرفاشگری، دور کردن فرد پرفاشگر از مکان پرفاشگری،

تقویت رفتارهای مخایر با پرفاشگری، ارایه مجموعه ای از استدلال ها در مورد فطرات و

عواقب پرفاشگری با شخص پرفاشگر یا قربانیان پرفاشگری (صادق و مشکبید حقیقی،

۱۳۸۵: ۵۶-۶۰).

دست زدن به پرفاشگری در تخیل، از بین بردن قرینه های محیطی مؤثر در فرافونی

پرفاشگری، منزوی کردن پرفاشگری و ممانعت از کامیابی آن (بیابانگرد، ۱۳۸۷: ۲۳۹ و

۲۴۰)، ایجاد فرصت های مناسب و کانال های صحیح و مورد قبول اجتماع مانند:

فعالیت ها و مسابقات ورزشی یا نقاشی و انواع هنرهای دراماتیک (نوابی نژاد، ۱۳۸۱

:۷۹)، فراهم کردن امکان تفریح هیجانی، جلوگیری از تماشای فیلم های فشن، آموزش

مهارت های اجتماعی (اممدی، ۱۳۸۲: ۱۴۲ و ۱۴۳)، شناسایی نقاط قوت و ضعف فرزندان، تکیه بر نقاط مثبت و تقویت رومیه آن ها، کمک به مسئولیت پذیر شدن فرزندان، توجه به علاقه ها و سرگرمی های آن ها به منظور پرورش استعدادهایشان، تقسیم کارها در خانه میان همه اعضاء، کمک به فرزندان برای تطبیق آن ها با شرایط و برقراری ارتباط مؤثر و بهتر با دیگران (فریور، ۱۳۸۷: ۹)، کنترل فشم به شیوه شناختی (فتاری (آذریان، اممدی و فاطمی زاده، ۱۳۸۶: ۷۰)، فراهم ساختن شرایط تفریح سالم، استراحت کافی و به موقع، ورزش مناسب (زرگری مرندی، ۱۳۸۵: ۶۹)، افزایش مهارت هم دلی و افزایش آگاهی فرزندان نسبت به رنجی که بر اثر پرفاشگری آن ها در افراد یا میوانات به وجود می آید، توجه بیش تر به فرزندان که پرفاشگری نمی کنند به جای فرزند پرفاشگر و ملزم کردن او به یافتن الگوی مطلوب برای خود و اجرایی کردن رفتارهای الگوی انتخاب شده از مهم ترین اقداماتی هستند که والدین باید به آن ها

توجه داشته باشند (نجفی پور، ۱۳۸۸: ۵۹).

مقاله: کاوه، محمد، (۱۳۵۳) آسیب شناسی بیماری های اجتماعی، تهران: جامعه

شناسان، چاپ اول.

منبع: راسفون